

مقدمه - تعریف حقوق و تقسیمات آن

- تعریف حقوق 1

حقوق هر جامعه مجموع قوانین و مقرراتی است که در زمان معینی بر جامعه حکومت می کند. بنابراین حقوق عبارت است از مقرراتی که روابط بین افراد را با هم روابط بین دولت و با دولتها و سازمانهای بین المللی تنظیم می نماید.

روابط مزبور از مسائل ثابت و دائمی نبوده و با تحولات اجتماعی و پیشرفت و توسعه روابط ملل روز به روز گسترده تر و پیچیده تر می شود. افراد یک جامعه دارای روابط مختلفی از جمله مدنی با یکدیگر هستند. روابط تجاری و کار با دولت و روابط خود ملزم به رعایت مقررات بین المللی عهدنامه ها هستند.

بدیهی است طبع این روابط از همدیگر متمایز و متفاوت است به طوری که طبع کار حقوق جزا که موضوع بحث ما را در این کتاب تشکیل می دهد با حقوق تجارت یا با حقوق بین المللی کاملاً فرق دارد.

به طور کلی برای امکان تحقیق و مطالعه، دانشمندان مسائل حقوقی را به رشته های مختلف و متعدد تقسیم نموده اند ولی بیشتر مؤلفان از یک طرف حقوق را به حقوق ملی و حقوق بین المللی و از طرف دیگر به حقوق عمومی و حقوق خصوصی تقسیم می کنند.

- تقسیمات حقوق 2

الف: حقوق ملی (یا داخلی) و حقوق خارجی (یا بین المللی)

حقوق داخلی عبارت است از مجموع مقرراتی که روابط بین افراد یک جامعه را با یکدیگر و روابط آنان را با دولت متبوع خود تنظیم می نماید.

مقررات مزبور معمولاً در داخل یک کشور قابل اجراست. حقوق مزبور مخصوص دولت و مدت معینی است بدون اینکه هیچ گونه عامل خارجی در آن دخالت داشته باشد.

10

مقررات جزائی علی الاصول درون مرزی است. مثلاً هر گاه کسی در داخل کشور ایران مرتکب جرمی مانند قتل عمد یا سرقت گردد در دادگاههای ایران و بر طبق حقوق و قوانین جاری ایران محاکمه و به کیفر می رسد. یا وقتی دو نفر ایرانی مالی را که در ایران واقع است مورد معامله قرار دهند، بر رابطه آنها و آثار ناشی از معامله، حقوق داخلی ایران حاکم است و همین طور است در مورد شکل اداره حکومت و رابطه آن با اتباع داخلی. بنابراین حقوق ملی وابسته به دولت و ملت معینی است و هنگامی که صحبت از حقوق ایران می شود، مقصود حقوق ملی کشور اسلامی ایران است. حقوق خارجی یا حقوق بین المللی عبارت از مجموعه قواعد و مقرراتی است که حاکم بر روابط بین دولتها و سازمانهای بین المللی (مانند سازمان ملل متحد) بوده و همچنین روابط اتباع دولتها را با یکدیگر تنظیم می کند. این رشته از حقوق منحصر به دولت و ملت معینی نیست و در آن یک عامل خارجی (غیر ملی یا برون مرزی) دخالت دارد.

رشته های مهم حقوق بین المللی عبارتند از: حقوق بین الملل عمومی، حقوق بین الملل خصوصی، حقوق جزای بین المللی و حقوق بین الملل جزائی از قبیل مقررات مربوط به دادگاه نورنبرگ و دادگان نظامی توکیو که بعد از جنگ بین الملل دوم به ترتیب برای محاکمه سران نازی و فرماندهان نظامی ژاپن تأسیس گردیدند و یا وضع مجازاتهای برای پاره ای از جرائم خلاف انسانیت (منع کشتار دسته جمعی) که جنبه محلی ندارد و یک سازمان بین المللی باید آن را اجرا نماید. در شرایط فعلی، دادگاه ویژه ای در مقر دیوان دادگستری بین المللی در شهر لاهه به جنایت جنگی و کشتار دسته جمعی نسبت به مردم مسلمان بوسنی هرزگوین توسط صربها تحت نظارت سازمان ملل متحد رسیدگی می کند. (۱)

برای تشخیص حقوق خصوصی از حقوق عمومی به غرض و مقصود از وضع قواعد توجه می شود. هر گاه هدف نهائی از مقررات تنظیم روابط خصوصی اشخاص (از قبیل روابط مدنی، تجاری خانوادگی، و تعهدات) باشد، آن را حقوق خصوصی می نامند. بنابراین مسائل ارث، طلاق، ازدواج و معاملات از مسائل حقوق خصوصی می باشد که مهمترین رشته های آن حقوق مدنی و حقوق تجارت هستند.

1. cour internationale de justice require introductive d'instance, enregistree au greffe de la cour, le 20 mars 193
)Application de la convention pour la prevention et la repression du crime de genocide.,

11

چنانچه غرض و مقصود از مقررات و قواعد حقوقی تنظیم روابط قوای کشور و تنظیم روابط بین دولت و مأموران دولتی با مردم و یا حفظ نظم و انتظامات کشور باشد آن را حقوق عمومی می نامند. به عبارت دیگر حقوق عمومی قواعدی است که بر روابط دولت و مأموران او با مردم حکومت می کند و سازمانهای دولتی را منظم می سازد و حال آنکه حقوق خصوصی مجموع قواعد حاکم بر روابط بین افراد است. (۱) حقوق عمومی دارای رشته هائی از قبیل حقوق اساسی، آئین دادرسی کیفری، حقوق جزا و آئین دادرسی مدنی می باشد. حقوق جزا یا حقوق جنایی از این جهت جزو حقوق عمومی است که شامل مجموعه قواعدی است که بر نحوه مجازات اشخاص از طرف دولت حکومت می کند. در این رشته از یک طرف بحث از اعمالی است که مخل منافع و نظم عمومی است و اهمیت آن به اندازه ای است که دولت باید به وسیله ضمانت اجراهای کیفری از قبیل اعدام، جریمه، حبس و تبعید بزهکار را کیفر دهد. در عین حال بسیاری از قواعد حقوق جزا از حقوق خصوصی اشخاص در برابر همدیگر حمایت می کند. در جرائم چون جعل و سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، ورشکستگی به تقلب و اعمال منافعی عفت، زیان دیده از جرم می تواند به عنوان مدعی و شاکی خصوصی در جریان دادرسی شرکت نموده و ضمن مطالبه زیانهای ناشی از جرم مأموران عمومی را در جمع آوری دلایل کمک و راهنمایی کند. بنابراین در بعضی موارد، حقوق جزا ترکیبی از حقوق عمومی و حقوق خصوصی است ولی به طور کلی غرض از دادرسی کیفری حفظ نظم عمومی است که از وظایف دولت باشد. اکنون به بیان محتوای حقوقی و قضائی حقوق جزائی می پردازیم.

1. Mary (Gabriel (et raynaud)Pierre. (Droit civil tome 1 introduction gneral a l'etude du droit. 2e edition, sirey
1972 .p.65 No.39 ets .

12

فصل اول

تعریف و تقسیمات حقوق جزائی و ارتباط آن با سایر رشته های حقوق

مبحث اول: تعریف حقوق جزا

- تعریف حقوق جزای اسلامی 1

حقوق جزای اسلامی عبارت از مجموعه قواعدی همگانی و همیشگی است که شریعت اسلام برای پیشگیری از وقوع جرم و تأمین سلامت و صیانت مردم و برقراری عدالت و حفظ نظم و امنیت در جامعه به وسیله قرآن و سنت مقرر داشته و قابلیت انطباق آن را نیز با تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی و اخلاقی در جوامع مختلف و همه زمانها با توسط به عقل و قیاس و اجماع ممکن ساخته است.

(۱)

در مورد خروج قوانین و احکام الهی از قلمرو ماده ۱۱ ق.م.ا. یعنی استثنای بر اصل عطف بماسبق نشدن قوانین جزائی به رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور (شماره ۴۵ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵) مندرج در صفحه ۱۰۸ این کتاب مراجعه شود. بدین لحاظ مخالفت با اوامر و نواحي صادره و اصولاً هر رفتاری که به تباهی فرد یا جامعه اسلامی بیانجامد با ضمانت اجرای عقوبت کیفری دنیوی و اخروی منع و مستلزم اعمال مجازات و یا اقدامات تأمینی و تربیتی می باشد.

- تعریف حقوق جزای عرفی ۲

از حقوق جزا در حقوق غیر مذهبی نیز تعاریفی به عمل آمده است که به ذکر برخی از آنها می پردازیم:

آقای پیربوزا استاد حقوق جزا در فلسفه حقوق جزا را رشته ای از حقوق عمومی

. در مورد خروج قوانین و احکام الهی از قلمرو ماده ۱۱ ق.م.ا. یعنی استثنای بر اصل عطف بماسبق نشدن قوانین جزائی به رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور (شماره ۴۵ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵) مندرج در صفحه ۱۰۸ این کتاب مراجعه شود.

13

دانسته که سعی دارد به وسیله تهدید و ارعاب از وقوع اعمال یا ترک اعمالی که موجب برهم زدن نظم عمومی است جلوگیری نموده و در صورت اقتضاء با اعمال وسایل مختلف مرتکب این اعمال را مجازات کند. (۱)

آقایان مرل و ویتو نیز حقوق جزا را چنین تعریف می نمایند: مجموعه قواعد قضائی که عکس العمل دولت را در مقابل جرائم و مجرمین مشخص می کند. (۲)

مرحوم دکتر علی آبادی حقوق جزا را و قوانینی دانسته که مجازات را در کشور تنظیم و تنسيق می کند. (۳).

آقای دکتر کاتوزیان نیز حقوق جزا را مجموعه قواعدی دانسته است که بر نحوه مجازات اشخاص از طرف دولت حکومت می کند. (۴) تعاریف مزبور جامع و مانع نیست. زیرا از طرفی مسائل مهم چون مسؤولیت جزائی بزهکار را شامل نمی شود. از طرف دیگر در عکس العمل جامعه در قبال ارتکاب جرائم نیز بیشتر به مجازات توجه شده است در حالی که اجرای اقدامات تأمینی، تعلیق مجازات، آزادی مشروط و یا مسائل مربوط به عفو و تخفیف مجازات و غیره از مصادیق بارز یک سیاست کیفری مفید و مؤثر در مقابل وقوع جرائم روز افزون می باشد.

بنابراین ممکن است حقوق جزائی در شرایطی که متناسب با تحولات این رشته باشد، چنین تعریف شود: «حقوق جزائی یا حقوق کیفری عبارت از مجموعه قواعدی است که بر عکس العمل دولت در مقابل اعمال ضداجتماعی حاکم باشد تا از طریق تهدید به مجازات و یا اجرای «آن و یا اقدامات تأمینی یا تربیتی اعمال مزبور پیشگیری و عدالت نسبی و نظم و امنیت برقرار گردد.

مبحث دوم: تقسیمات حقوق جزا

حقوق جزا یکی از رشته های علوم قضائی است که به تدریج با پیشرفت زمان توسعه یافته است، به طوری که اکنون به صورت دانش

مستقلی در آمده و به قسمت های مختلف و متعددی تقسیم گردیده است. حقوق جزا به ۳ قسمت حقوق جزای عمومی، حقوق

. پیربوزا و ژان پیناتل، کتاب حقوق جزا و جرم شناسی به زبان فرانسه، ج ۱، ص ۱۰۱.

. مرل و ویتو، رساله حقوق جنائی، ص ۹۳، ش ۸۵.

. دکتر علی آبادی، حقوق جنائی، ص ۱۰۱.

. استاد دکتر ناصر کاتوزیان، کلیات حقوق، ج ۱، ص ۲۷۶.

14

جزای اختصاصی و آئین دادرسی کیفری قابل تقسیم است. از جهتی دیگر با ازدیاد روابط بین المللی و توسعه رفت و آمد بعضی از جرائم از

قلمرو داخلی خارجی شده و جنبه بین المللی به خود گرفته او همین امر موجب پیدایش رشته خاصی در حقوق جزا به نام حقوق جزای بین المللی گردید.

- رشته های حقوق جزای داخلی 1

الف- حقوق جزای عمومی

موضوع حقوق جزای عمومی مطالعه قواعد کلی و مشترک حاکم بر تحقق جرائم و ضوابط حاکم در تعیین مجازاتها از قبیل تعریف جرم، حالت خطرناک، تعیین اشخاص واجد مسؤولیت کیفری و شرایط احراز مسؤولیت جزائی، تعیین کیفر و اقدامات تأمینی و تربیتی و اعمال آنهاست.

ب- حقوق جزای اختصاصی

این شعبه از حقوق جزا مقدم بر حقوق جزای عمومی بوده است. زیر قانونگذاران فقط به ذکر اعمال ممنوعه و مجازات آنها می پرداختند. به هر حال علاوه بر ۳ عنصر جرم (عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی) هر یک از جرائم دارای ارکان یا عناصر اختصاصی است که شناخت آن موجب تمیز و تفکیک جرائم از یکدیگر می شود.

توجه به ارکانی چون تصاحب مال مورد امانت به ضرر صاحب مال، ربودن مال منقول متعلق به غیر و توسل به وسایل متقلبانه برای بردن مال دیگری (علی رغم وجه اشتراک هر ۳ جرم مزبور در عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی) موجب تفکیک و تمیز و تشخیص جرائم خیانت در امانت، سرقت و کلاهبرداری از یکدیگر می شود.

بنابراین حقوق جزای اختصاصی قسمت اختصاصی حقوق جزا را تشکیل می دهد و راجع به خصوصیات هر یک از جرائم به طور جداگانه بحث می نماید. موضوع حقوق جزای اختصاصی نفس جرم است. بدین لحاظ این حقوق شعبه ای از حقوق جزاست که به طور تفکیک و جداگانه تمام افراد جرائم را مطرح می سازد و هر یک از آنها را از نظر عناصر تشکیل دهنده و کیفیت مجازات آن تعریف و بیان می کند. در عین حال حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی با یکدیگر بی ارتباط نیستند. حقوق جزای اختصاصی به عنوان شعبه ای از حقوق جزا شامل مطالعه خصوصیات و جزئیات فرد فرد جرائمی است که ارتکاب می یابد. در حالی که در حقوق جزای عمومی، با توجه به طبقه بندی جرائم و مطالعه عناصر تشکیل دهنده آنها، دامنه

15

مسائل آن به حدی نیست که بتواند هر یک از جرائم را به طور جداگانه و مشخص از سایر جرائم بیان نماید. عناصر تشکیل دهنده جرم بر دو قسم است:

اول- عناصر تشکیل دهنده عمومی جرم که به حقوق جزای عمومی مربوط می شود. عناصر مزبور نمی توانند هیچ یک از جرائم را توصیف نمایند. زیرا که بین تمام جرائم مشترک می باشند ولی در عین حال مطالعه آنها به شناختن مسائلی منتهی می شود که برای تعیین ماهیت واقعی هر یک از عناصر عمومی از نظر جرم مربوطه مورد استفاده بعدی در حقوق جزا قرار می گیرد. بدین نحو مطالعه حقوق جزای عمومی بررسی و تحقیق در حقوق جزای اختصاصی را ممکن می سازد و مطالعه در حقوق جزای اختصاصی مطالعه حقوق جزای عمومی را کامل می کند.

دوم- عناصر تشکیل دهنده اختصاصی که موضوع خاص و اساسی حقوق جزای اختصاصی را تشکیل می دهد و هر جرم را با توجه به شرایط و ارکان تشکیل دهنده اختصاصی آن جرم به صورت انفرادی در نظر می گیرد.

مثلاً کافی نیست که گفته شود، سرقت مثل هر جرم دیگری باید دارای یک عنصر مادی، یک عنصر معنوی و یک شرط قانونی باشد. بلکه باید در عین حال، شناخته شود که کدام عنصر مادی یا معنوی مشخصه سرقت است و آن را از کلاهبرداری و خیانت در امانت متمایز می سازد. در واقع این امر به عهده حقوق جزای اختصاصی است که ربودن متقلبانه (مال منقول متعلق به غیر) عنصر تشکیل دهنده و اختصاصی

جرم سرقت را تعریف و بیان نماید.

ج- آئین دادرسی کیفری

از زمان وقوع جرم تا زمان صدور حکم مجازات درباره مرتکب و اجرای آن رعایت یک سلسله مقررات و تشریفات قانونی ضروری است. در امور کیفری برائت یا محکومیت متهم مستلزم صدور حکم از مراجع قضائی است و مراجع مزبور برای صدور حکم مکلف به رعایت مقررات آئین دادرسی کیفری می باشند.

در مورد محتوای رشته آئین دادرسی کیفری قانونگذار مقرری دارد: «آیین دادرسی کیفری مجموعه اصول و مقرراتی است که برای کشف و تحقیق جرایم و تعقیب مجرمان و نحوه رسیدگی و صدور رأی و تجدید نظر و اجرای احکام و تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی وضع شده است.» (ماده ۱ قانون آئین دادرسی کیفری).

به علاوه صلاحیت مراجع کشف و تحقیق و تعقیب جرائم، تعیین صلاحیت محاکم کیفری و طرز تشکیل آنها و تشریفات که در این مراجع و محاکم تا صدور حکم باید رعایت گردد از مباحث آئین دادرسی کیفری است. بعد از انقلاب اسلامی، آئین دادرسی، آئین دادرسی

16

کیفری به خصوص در مورد صلاحیت دادگاهها و مراجع کیفری تحول زیادی داشته و نهایتاً قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ به مورد اجرا گذارده شد که تفاوت مهم آن با قوانین قبلی، حذف دادرها از سیستم کیفری با حفظ استثنائاتی و صلاحیت تام و کلی دادگاهها در دعاوی از هر نوعی است.

د- کیفر شناسی و علم اجرای کیفر

بعد از کشف، تعقیب، تحقیق و صدور حکم، آخرین قسمت از مراحل دادرسی، مرحله اجرای حکم است. کیفر شناسی اصطلاح جدیدی است که متخصصین علوم کیفری جایگزین اصطلاح علم اجرای کیفر یا علم اداره زندان نموده اند. بحث درباره چگونگی اجرای مجازات سالب آزادی (حبس) و روش و تشکیلات و سازمانهای داخلی زندانها موضوع علم اداره زندان بوده است ولی امروزه با پیدایش سیاستهای کیفری جدید به موازات مجازات زندان و جزای نقدی، تدابیر دیگری به منظور پیشگیری از وقوع جرائم و معالجه و اصلاح و تربیت مجرمین به نام اقدامات تأمینی و تربیتی و تبعی و تکمیلی (موضوع ماده ۱۹ ق.م.ا. شامل محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در محل معین و یا منع اقامت در نقطه یا نقاط معین) در قوانین پیش بینی گردیده است.

به علاوه تأسیسات حقوقی چون تعلیق اجرای مجازات (و تعلیق مراقبتی در حقوق بعضی از کشورهای خارجی) و سیستم نیمه آزادی محکومین (اصلاح و تربیت در محیط آزاد) و آزادی مشروط که برای پیشگیری از تکرار جرم و عادت دادن و ساگار نمودن بزهکار به زندگی عادی و اجتماعی و اصلاح مجدد او می باشد موضوع بحث کیفرشناسی است.

بدین ترتیب کیفرشناسی عبارت است از علمی که در خصوص مسائل مربوط به طرز اجرای محکومیت های جزائی اعم از حبس و تعلیق اجرای مجازات و جزای نقدی و مجازاتهای تبعی و تکمیلی و کلیه اصول و روشهای اصلاحی و تربیتی و درمانی و تطبیق دادن آنها با شخصیت بزهکاران و تشکیلات زندانها و مؤسسات وابسته به آنها بحث می کند. (۱)

آنچه مشترک بین حقوق جزای عمومی، آئین دادرسی کیفری و کیفرشناسی است، لزوم مطالعه وضعیت و شخصیت بزهکار وسیله آزمایشهای علمی (پزشکی، روانپزشکی و اجتماعی) است که قبل از محاکمه و حین دادرسی و هنگام تعیین کیفر و یا اقدامات تأمینی و تربیتی برای شناخت بیشتر متهم پرونده وسیله قاضی ضرورت دارد و

. دکتر ایرج گلدوزیان، کیفرشناسی، پلی کپی از انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال تحصیلی ۶۴-۱۳۶۳، ص ۵-۶، ۱

17

بعد از محکومیت نیز آزمایشهای علمی برای درمان و اصلاح و تهذیب و رجعت دادن بزهکار به جامعه به عمل می آید. ماده ۲۱ ق.م.ا. مقرّری دارد: «ترتیب اجرای احکام جزائی و کیفیت زندانها به نحوی است که قانون آئین دادرسی کیفری و سایر قوانین و مقرّرات تعیین می نماید...» بنابراین می توان گفت که با توجه به مسائل مطروح در کیفرشناسی، رشته مزبور در واقع مکمل حقوق جزای عمومی است و اصول و قواعد و ضوابط آن بیشتر ضمن قوانین آئین دادرسی کیفری مشخص می شود.

– رشته های حقوق جزای بین المللی 2

در پایان دومین جنگ جهانی علم حقوق که مأموریت آن حفظ جامعه و افراد است دارای رشته جدیدی به نام حقوق بین المللی جزائی گردید. تأمین عدالت جزائی بین المللی کیفر دادن جنایات و جلوگیری از ارتکاب آنها در سطح بین المللی از مهمترین اهداف حقوقی جزائی در بعد بین المللی است. در حقوق جزا مسائل متعددی است که از محدوده حقوق جزای داخلی خارج گردیده و جنبه بین المللی پیدا می کند. به طوری که روابط بین المللی تأثیر مهمی بر حیات ملتها و بر حیات هزاران فرد انسان دارد. توسعه روز افزون وسایل فنی جنگی، استفاده از سلاحهای شیمیایی و تهدید در به کار بردن سلاحهای هسته ای و میکروبی ضرورت حمایت حقوقی از صلح و نظم بین المللی به نفع بشریت را مورد تأکید قرار می دهد. وقتی قتل یک فرد جنایت تلقی شود، قتل و کشتار صدها و هزاران فرد انسانی جنایتی است که به طور قطع مستلزم کیفر و پیشگیری از آن به نفع انسانیت است.

بسیاری از جرائم از محدوده مرزهای کشور تجاوز می کند و از طرف افرادی با تابعیت های مختلف علیه افراد دیگر و یا علیه صلح و امنیت کشور ارتکاب می شود و اغلب مراجع ذینفع در تعقیب و کیفر مرتکبین آنها دچار اشکال می شوند.

وقتی عامل برون مرزی در ارتکاب جرم مطرح است کدام قانون صلاحیت اعمال و اجرا دارد؟

قانون محل وقوع جرم یا قانون کشور مجنی علیه، قانون کشور جانی یا قانون محل حصول نتیجه؟

الف- حقوق بین المللی جزائی عام یا حقوق جرائم بین الملل

گاهی نیز از طرف افراد و یا دولتها جرائم علیه صلح و امنیت بین المللی و یا علیه بشریت صورت می گیرد، مانند جنایات ارتكابی قوای فاتح در زمان جنگ در کشور های مغلوب، قتل و غارت افراد غیر نظامی، اعدام های دسته جمعی اسرای جنگی و نیز مجروحین، نسل کشی یا ژنوسید، زجر و آزار اقلیت ها و تبعیضات نژادی از طرف دولتها.

بدیهی است انصاف و عدالت ایجاب می کند که این قبیل مجرمین بین المللی تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرند و لذا تشکیل یک دادگاه بی طرف بین المللی برای رسیدگی

به جرائم مجرمین بین المللی ضرورت دارد.

حقوق بین الملل جزائی متشکل از مجموع قواعد حقوقی مربوط به کیفر جرائم بین المللی ناقض حقوق بین الملل است. (۱)

تعریف مزبور شامل ۳ عنصر است:

اول- حقوق بین الملل جزائی که نحوه مبارزه علیه جرائم بین المللی را تنظیم می کند. این مبارزه قابل اعمال کیفر نسبت به بزهکاران یعنی عاملان نقض مقرّرات حقوق بین الملل است. در این مورد، حقوق بین الملل جزائی قواعد خاص و ویژه حقوق جزا را اعمال می کند و تصمیمات جزائی تنها شامل اشخاص حقیقی (طبیعی) مرتکب جرم می گردد. زیرا اعمال مجازاتهای بدنی، نسبت به اشخاص حقوقی و به خصوص دولتها ممکن نیست.

دوم- کیفر ممکن است با ارتکاب یک جرم بین المللی مورد استناد قرار گیرد.

جرم مزبور لطمه به حقوق بین الملل عمومی یا به عبارت دیگر خطری به نظم اجتماعی بین المللی را تشکیل می دهد. قواعد حقوق بین الملل عمومی در جهت حفظ ارزشهای عالیّه انسانی، نظم اجتماعی بین المللی را برقرار می کند.

سوم- قواعد و ضوابط حقوق بین الملل جزائی، قواعدی است حقوقی که از اراده دولتها ناشی می شود. دولتهایی که خود بر قاعده حقوقی صحه گذاشته و آن را پذیرفته اند ضمن داشتن حق حاکمیت مکلف به رعایت قاعده حقوقی می باشند. در مورد حقوق بین الملل عمومی، دولتها از طریق معاهده یا از طریق عرف مورد قبول کشورهای متمدن موظف به رعایت قواعد حقوقی مزبور می باشند.

بنابراین در جامعه بین المللی هیچ گونه تشکیلاتی مافوق دولت وجود ندارد، و در صورتی که دولتی با توجه به تعهدات خود ملزم به انجام pacta sunt servanda امری شود، به این جهت است که با اراده خاص خود این تعهدات را مورد قبول قرار داده است و این بر اساس اصل است که دولت ملزم به انجام تعهدات خود می باشد.

حال چنانچه دولت خود ملزم به کیفر بعضی رفتارهای اتباع خود یا اشخاصی شود که در قلمرو او یافت شوند، تعهدات مزبور مبتنی بر اراده خود دولت است که یا در معاهدات تصریح شده و یا بر اساس عرف بین المللی مورد قبول واقع شده است.

حقوق بین الملل جزائی بر آن قسمت از روابط جزائی اعمال می شود که واجد یک عامل برون مرزی تابع قواعد مقرر توسط دولتها می باشد.

1.plawski, Stanislaw, etude des principes fondamentaux du droit international penal. 1972,p.9 .

2 .h.donnedieu de vabres, le process de Nuremberg, paris p.63 .

19

البته در زمینه حقوق بین الملل جزائی، دولتها از امتیازها و اولویتهای خود به نفع سازمانهای بین المللی و بین الدول ضمن حفظ حق مالکیت خود صرفنظر می نمایند.

ب- حقوق جزای بین الملل خاص یا حقوق جزای برون ملی

حقوق جزای بین الملل باید از حقوق بین الملل جزائی تمیز داده شود. در حالی که حقوق بین الملل جزائی خصوصیت بین المللی دارد، حقوق جزای بین المللی به حقوق داخلی مربوط می شود. مفهوم حقوق جزای بین الملل مربوط به آن قسمت از حقوق جزای داخلی است که سعی آن در تعیین صلاحیت محاکم کیفری مملکت در زمینه مبارزه علیه جرائمی است که یک عامل برون مرزی در آنها وجود دارد.

این عامل برون مرزی مربوط است یا به محل وقوع جرم یا به تابعیت مرتکب جرم.

پس آنچه در حقوق جزای بین المللی مطرح گردد عبارت است از صلاحیت یک دولت در کیفر جرائم ارتكابی در خارج از قلمرو آن، جرائم ارتكابی به وسیله اتباع دولت در قلمرو سایر کشورها و یا سرانجام جرائم ارتكابی به زیان کشور توسط اتباع خودی بیگانگان در خارج از کشور. بدیهی است که در تمامی موارد مذکور، از نظر صلاحیت محاکم کیفری در رسیدگی، تعارض قانونی وجود دارد و ضوابط و قواعد حقوقی که صلاحیت دو یا چند دولت معین می کند مقررات حقوق جزای بین الملل خاص را تشکیل می دهد. قسمت عمده مقررات حقوق جزای بین المللی خاص در مواد ۳، ۴، ۶ و ۷ ق.م.ا و ماده ۲۰۰ قانون ایران دادرسی کیفری پیش بینی شده است.

مسائل استرداد مجرمین و تعارض قضائی و آثار بین المللی احکام جزائی و تعقیب مجرمین مربوط به همین رشته است. از توضیحات بالا متفاوت اساسی بین دو رشته حقوق را می توان استنتاج نمود:

بدین ترتیب که مقررات حقوق بین الملل جزائی ناشی از توافق و نیز قرارداد بین دولتهاست، در حالی که قواعد حقوق جزای بین الملل حاصل صلاحیت قانونی هر دولت است یعنی دولت با حاکمیت اراده ای که دارد در زمینه بین المللی نسبت به صلاحیت کیفری خود اتخاذ تصمیم می نماید.

به نظر بعضی حقوقدانان تمیز بین حقوق بین الملل جزائی و حقوق جزای بین الملل امری نسبی است و «با وجود این تردیدی نیست که

» مسیر آینده حقوق در جهت بین المللی ساختن حقوق جزا می باشد

1merle.r et vitu, traite de droit criminal, paris 1967,p.246 .

حقوق جزائی رشته مستقلی از حقوق عمومی و داخلی است زیرا قواعد آن ناظر بر روابط افراد و دولت راجع به وقایع مجرمانه در محدودهٔ مرزهای سیاسی کشور است. وظیفه اصلی حقوق جزا حفظ حقوق جامعه در مقابل تجاوز بزهکار و در عین حال پاسداری از حقوق فردی است. تعیین جرم، کشف جرم، تعقیب و کیفر بزهکاران در انحصار دولت است نه اشخاص خصوصی و لذا اجرای قواعد حقوق جزا با محاکم دادگستری است.

جرم پدیده ای است ضد اجتماعی که موجب اختلال در نظم و امنیت کشور می شود.

هدف از تعقیب مجرمین و اعمال کیفر و اقدامات تأمینی و تربیتی علی الاصول، اعاده و حفظ نظم بر هم خورده است. در جرائم مالی مثل سرقت، خیانت در امانت و کلاهبرداری حتی اگر متضرر از جرم شکایت هم نکند، دولت رأساً و به نمایندگی از جامعه خاطیان به حقوق عمومی و بزهکاران را تعقیب می نماید.

در مواردی هم مثل قتل و ضرب و جرح عمدی پس از تشخیص قاتل یا مرتکب ضرب و جرح محکومیت وی توسط محاکم، گذشت اولیای دم اجرای حکم قصاص را موقوف می کند تا از این طریق صلح و صفائی که در نتیجه عفو و گذشت حاصل شده نادیده گرفته نشود. حقوق جزا علی رغم استقلال با سایر رشته های حقوقی در ارتباط است.

- رابطه حقوق جزا با رشته های حقوق خصوصی 1

حقوق جزا با حقوق خصوصی از جمله حقوق مدنی و حقوق تجارت ارتباط دارد.

الف- رابطه حقوق جزا با حقوق مدنی

حقوق مدنی روابط اشخاص را تنها از این لحاظ که عضو جامعه و مدینه هستند تنظیم می کند و توجهی به خصوصیات مربوط به مشاغل گوناگون ندارد. (۱) بدین لحاظ تقریباً تمام روابط مالی و خانوادگی مردم تابع حقوق مدنی است. در حقوق مدنی وسایل اجبار و ضمانت اجراها به صورت فسخ یا بطلان یا رفع آثار از اعمال انجام شده است. گاهی اجبار متعهد به انجام تعهد و یا جبران خسارت زیان دیده مطرح است. ضمانت اجراهای مزبور فاقد جنبه کیفری است.

گاهی قانونگذار بر حسب ضرورت و اقتضای مصلحت اجتماعی ضمانت اجراهای مدنی را

. دکتر کاتوزیان، ناصر، کلیات حقوق، ص ۲۷۱. 1

کافی ندانسته و برای اجبار متعهد به انجام تکلیف خود متوسل به ضمانت اجراهای جزائی می شود. به طور مثال در مورد جرم ترک انفاق که امری مدنی و ناشی از روابط خانوادگی است ماده ۶۴۲ ق.م.ا. تعزیرات لا حق مقرّری دارد: «هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید». (۱)

گاهی اثبات امر کیفری منوط به نتیجه محاکمات مدنی است (ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی کیفری در مورد اناطه). (۲)

بنابراین، دو رشته حقوق مزبور، پیوستگی های بسیاری با هم دارند.

ب- روابط حقوق جزا با حقوق تجارت

با توسعه ارتباطات، روابط تجاری و گسترش حمل و نقل حقوق تجارت از حقوق مدنی مجزا و به صورت رشته مستقلی از حقوق در آمد. ایجاد سرعت در معاملات تجاری، حذف تشریفات زائد و جلوگیری از تقلب و تزویر در امور تجاری لازمه این استقلال بوده است. در مقابل ضمانت اجراهای جزائی عامل مهمی در تنظیم روابط و معاملات تجاری گردید. در اجرای ماده ۵۴۹ حقوق تجارت و طبق ماده ۶۷۰ ق.م.ا. «تعزیرات» کسانی که به عنوان ورشکستگی به تقلب محکوم می شوند به مجازات حبس از ۱ تا ۵ سال محکوم خواهند شد

«به علاوه طبق ماده ۶۷۱ قانون مزبور مجازات ورشکسته به تقصیر از ۶ ماه تا ۲ سال حبس است.

در مورد چک نیز که از اسناد مهم تجاری است مقررات کیفری در قانون صدور چک (۱۳۵۵) پیش بینی شده است. از ۱۶ آذر ماه ۱۳۷۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک به مورد اجرا گذارده شده است. مهمترین تغییر قانونی، تعقیب کیفری صادر کننده چک وعده دار و یا سفید امضا یا به عنوان تضمین یا تأمین اعتبار یا مشروط است با شکایت ذینفع و عدم پرداخت.

برابر رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور (ردیف ۶۰۱۳ رأی شماره ۳۴) ترک انفاق نسبت به زوجه و فرزندان صغیری ۱ که نزد او بسر می برند مشمول تعدد معنوی است.

هر گاه ضمن رسیدگی مشخص شود اتخاذ تصمیم منوط است به امری که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است و یا ادامه رسیدگی به آن در همان دادگاه مستلزم رعایت تشریفات دیگر آئین دادرسی می باشد قرار اناطه صادر و به طرفین ابلاغ می شود، ذی نفع مکلف است ظرف یک ماه موضوع را در دادگاه صالح پیگیری و گواهی آن را به دادگاه رسیدگی کننده ارائه و یا دادخواست لازم به همان دادگاه تقدیم نماید. در غیر این صورت دادگاه به رسیدگی خود ادامه داده و تصمیم مقتضی خواهد گرفت.

به موجب رأی وحدت رویه شماره ۵۲۹-۲۸۶۸ صدور قرار اناطه فقط ناظر به اختلاف در حق مالکیت نسبت به اموال غیر منقول است.

22

– رابطه حقوق جزا با حقوق اساسی 2

حقوق اساسی از رشته های حقوق عمومی داخلی است. نظام و سازمان حکومت، حقوق و آزادیهای افراد ملت، قوای حاکم و رهبری، وظایف و اختیارات قوای عالی کشور و روابط آنها با یکدیگر و با ملت از مسائل مورد بحث در این رشته از حقوق است. حقوق و تکالیف مزبور در ق.ا. معین می شود و ضمانت اجرای تخلف و تخطی به حقوق و آزادیها با قانون جزا می باشد. مطالعات تاریخی حاکی از آن است که تغییرات قانونی ناشی از انقلابات و تغییر رژیم سیاسی همراه با تغییر ق.ا. و به تبع آن ایجاد تغییرات مهم در امور کیفری بوده است. در واقع پاسداری از اصول حقوق اساسی با حقوق جزاست و از این جهت رابطه نزدیکی بین این دو رشته حقوق وجود دارد.

– رابطه حقوق جزا با حقوق اداری 3

یکی از شعبات حقوق عمومی حقوق اداری است. موضوع این رشته حقوق مطالعه سازمان و فعالیت دستگاه اداری شامل ادارات، سازمانها، مقامات و مأمورینی است که به انجام خدمات عمومی می پردازند. از هدفهای حقوق اداری، انجام خدمات عمومی و تأمین احتیاجات دولت و اعمال حاکمیت دولت است. انجام این وظایف مستلزم حمایت قانونی کارمندان و مأمورین دولت است. تخطی از وظایف نیز در موارد مهم جنبه کیفری به خود می گیرد.

تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی و تجاوز مأمورین دولتی از حدود مأموریت خود تقصیراتشان در ادای وظیفه موضوع مواد ۵۷۰ به بعد ق.م.ا. تعزیرات و جرائم اشخاص نسبت به مأمورین دولت و تمرد آنان نسبت به مأمورین دولت موضوع ماده ۶۰۷ و تبصره مربوط و ماده ۶۰۹ قانون مزبور است. (۱) و (۲)

مسائل مزبور موجب ارتباط بین این دو رشته حقوق است.

ماده ۶۰۷ ق.م.ا. تعزیرات: «هرگونه حمل یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید 1 تمرد محسوب می شود و مجازات آن به شرح ذیل است:

– هر گاه متمرّد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد حبس از شش ماه تا دو سال.

– هر گاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلح برد حبس از شش ماه تا دو سال.

– در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره- اگر متمرّد در هنگام تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۹ ق.م.ا. تعزیرات: «هرکس با توجه به سمت، یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها در حال انجام وظیفه یا سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا «پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود

23

مبحث چهارم: رابطه حقوق جزا با علوم اجتماعی و انسانی

پدیده جرم یک واقعیته قضائی، اجتماعی و انسانی است. عوامل اجتماعی، انسانی و زیست شناسی در ایجاد آن مؤثر است. اوضاع نابسامان اقتصادی و تبعیض در توزیع عادلانه ثروت ممکن است بعضی از افراد را به سوی ارتکاب اعمال ضد اجتماعی سوق دهد. محیطهای مختلفی که انسان از آغاز تولد تا پایان عمر در آنها زندگی و فعالیت کرده است همچنین تعلیم و تربیت غلط، معاشرت با اشخاص فاسد در رفتار فرد تأثیر بسزایی دارد. به علاوه امراض روانی و زیستی از عوامل ارتکاب جرم هستند. به طور کلی عوامل ارتکاب جرم که انسان را به ارتکاب جرم سوق می دهند بر دو دسته اند:

از یک سو عوامل جرم زای داخلی یا درونی که مربوط به ساختمان بدنی و جسمی و روانی مرتکب جرم است و از سوی دیگر، دیگر عوامل جرم زای خارجی یا بیرونی که مربوط به وضع اجتماعی، فرهنگی و اقتصاد و سیستم تعلیم و تربیت است.

در دادرسی جزایی قاضی باید به شخصیت بزهکار توجه کند و عواملی را که موجب شده است تا بزهکار به سوی ارتکاب جرم سوق داده شود بشناسد. سپس با توجه به حالت خطرناک وی و اهمیت جرم ارتكابی تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. بنابراین حقوق جزا با علوم اجتماعی و پزشکی و روانپزشکی ارتباط نزدیک دارد. ضمناً از جهت کشف دلایل و قرائن و امارات جرم و تعیین هویت مجرم، رشته های مختلف علم جرم یابی به حقوق جزا کمک فراوان می کند.

- رابطه حقوق جزا با علوم روانی 1

مطالعات و کشفیات علوم روانی (روانشناسی، روانشناسی اجتماعی و روانپزشکی) از نظر شناخت شخصیت مجرمین می تواند کمک مؤثری برای حقوق جزا باشد.

به علاوه طبق ماده ۲۷ قانون راجع به مجازات اسلامی سابق و ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی لاحق جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد موجب عدم مسؤولیت کیفری است. برای احراز جنون متهم در حین ارتکاب جرم و یا تعیین جنون ادواری از نظر و تخصص روانشناسان استفاده می شود.

- روابط حقوق جزا با جامعه شناسی کیفری 2

یکی از عوامل بزهکاری، اجتماعی شدن فرد در گروههایی است که دارای ارزشها و معیارهای ضد اجتماعی هستند. از طرفی حقوق جزا به بازرسی رفتار افراد و اجبار آنها

24

به حفظ و رعایت ارزشهای اجتماعی اهمیت می دهد. از نظر اجرای مؤثر و بهتر مجازاتها «جامعه شناسان می توانند با بررسی و شناخت ساخت اجتماعی و شکل روابط اعضای جامعه، واکنش احتمالی آنان را در مقابل مجازاتها پیش بینی کنند. (۱) از این رو ارتباط نزدیکی بین حقوق جزا و جامعه شناسی کیفری وجود دارد.

- رابطه حقوق جزا با علوم جرم شناسی و رشته های مؤثر در تکامل جرم شناسی 3

علوم جرم شناسی به بررسی عوامل، علل، آثار و نتایج پدیده بزهکاری مربوط می شود. مطالعه مجرم و بزهکاری موضوع علوم مختلفی

است. تمام نظاماتی که انسان، موجودیت، رفتار و شخصیت او را مورد مطالعه قرار می دهند و کلیه انتظاماتی که ساخت و تحول جامعه،

عکس العمل های متقابل افراد و محیط را مورد بررسی قرار می دهند در پیشرفت علم جرم شناسی سهیم هستند.

الف- نقش علوم پزشکی در علم جرم شناسی

دانشکده های پزشکی اولین سهم را در توجه به جرم شناسی (بخصوص در ایتالیا) داشته است. علوم پزشکی در جستجوی کشف علل بزهکاری در ارتباط با خصوصیات فیزیکی و جسمانی فرد انسانی و تمرکز مطالعات در مجرم از لحاظ علم تشریح و علم وظائف الاعضاء است. اولین بار سزار لومبروزو با انتشار تألیف خود به نام انسان جنایتکار (۲) تاریخ طبیعی جنائی انسان (۳) (پایه گذاری نمود. آنچه در این مطالعات جلب توجه می کند وجود ارتباطی بین وضع ظاهری با رفتار شخص است. در حال حاضر طبقه بندی افراد بزهکار بر حسب وضع ظاهری آنان مورد توجه می باشد. (۴)

نهایت آنکه علم وظائف الاعضاء بیش از علم تشریح مورد توجه است. (۵) در بین رشته های علوم پزشکی، بیولوژی جزائی نیز در ارتباط با ارتکاب جرم دارای نقش مهمی است. زیرا نهایتاً وضع ظاهری و رفتار فرد انسانی وابسته به سیستم روانی و بخصوص عملکرد ترشحات دارد. Endocrinien داخلی غدد

ب- سهم علوم اجتماعی در جرم شناسی

بعضی از صاحب نظران در مورد علت بزهکاری توجه به محیط خارج از انسان

2. l'homme criminel. دکتر صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۱، انتشارات دانشگاه دانشگاه ملی سابق، ص ۱۳۷.

3. l'anthropologie criminelle

4. morphologie, typologie.

5. stefani, g et levasseur, g. droit penal general 7e edition, précis dalloz p.44.

داشته اند. محیطی که انسان در آن زندگی می کند اغلب جرم زاست.

دکترین فرانسوی «تارد» و «ژولی» (۱) که در اواخر قرن نوزدهم در مقابل تئوری لومبروزو مطرح گردید در ارتباط با تأثیر محیط بر انسان است. قبل از آن در آغاز همین قرن، کوتله (۲) بلژیکی نتیجه مطالعات خود را در این زمینه منتشر ساخته بود. آنریکوفری در همین جهت دکترین ایتالیایی لومبروزو را تغییر جهت کلی داد و به یکی از بنیانگذاران جامعه شناسی کیفری (۳) شناخته شد. جرم به عنوان یکی از پدیده های زندگی در اجتماع و یک عمل ضد اجتماعی توجه جامعه شناسان را به خود جلب نمود. تأثیر محیط طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی اغلب مورد مطالعه قرار گرفت، محیط اجتماعی (خانواده، تحصیل، کار، محل سکونت و غیره) در ارتباط با ارتکاب جرائم نیز مورد توجه قرار گرفت.

ج- نقش علوم روانی در جرم شناسی

محیط اجتماعی در رفتار انسان مؤثر است ولی همیشه نقش تعیین کننده و سرنوشت ساز ندارد. ساخت شخصیت روانی فرد تحت تأثیر عامل وراثت و محیطی است که در آن قرار می گیرد. تجزیه و تحلیل اندیشه و روحیه مجرمین موضوع رشته معرفت النفس جنایی است. (۴) ولی مطالعه اندیشه و روحیه مجرمین از لحاظ علم امراض مربوط است به رشته علم طب دماغی. (۵) سرانجام، هماهنگی پزشک، جامعه شناس، روانشناس، و روانپزشک می تواند جرم شناسی را به هدف خود که شناخت جرم، عوامل جرم و چاره آن است نزدیک سازد. حقوق جزا نیز می تواند ضمن کمک به جرم شناسی از نتیجه مطالعات آن بهره مند شود. زیرا تعریف مفهوم قضائی جرم با حقوق جزاست. در مقابل جرم شناسی در جهت تعیین مصادیق علمی خصوصیت انحرافی و ضد اجتماعی فرد بزهکار است. قانونگذار در اتخاذ یک سیاست کیفری مناسب و قاضی جزائی در تعیین مجازات و دقت در اجرای آن از رشته های کیفرشناسی. (۶) و جرم شناسی استفاده می کنند. بر این

اساس پیوستگی زیادی بین حقوق جزا و علوم جرم شناسی وجود دارد.

- رابطه حقوق جزا با علوم جرم یابی (۷) 4

علوم جرم یابی شامل مجموعه علوم و دانش های فنی است که برای کشف جرائم و

1. tard, Gabriel, et joly

2. quetelet .

3. sociologi criminelle .

4. psychologie criminelle .

5. psychiatrie ou medicine mental .

6. Penologie

7. criminalistique=criminalistics

26

تشخیص هویت و دستگیری مجرمین مورد استفاده قرار می گیرد. در کلیه کشورها هر سال تعداد بسیاری از جرائم یا کشف نمی شوند و یا مرتکبین آنها شناخته نمی شوند. در مواردی هم که ضابطین دادگستری (مذکور در ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری) موفق به کشف جرم و تشخیص هویت مجرمین بشوند ممکن است دلایل کافی علیه آنان به دست نیاورند. در چنین شرایطی مقتضی است علوم جرم یابی توسعه یافته و با استفاده صحیح از این علوم با بزهکاران مبارزه جدی به علم آید. علوم جرم یابی دارای رشته های زیر است:

الف- تن پیمائی جزائی (۱)

رشته تن پیمائی جزائی یا علم اندازه گرفتن قسمت های بدن انسان در ۱۸۸۰ از طرف دکتر برتیون (۲) فرانسوی تأسیس شده است. در این علم سعی می شود تا با بررسی علائم و آثار موجود در بدن افراد و شکل اعضای مختلف و زخم ها و نشانه هایی که در بدن به وجود می آید هویت مجرمان ناشناخته کشف گردد.

ب- پزشکی قانونی (۳)

موضوع پزشکی قانونی بررسی آثار و علائمی است که در محل وقوع جرم و نیز در بدن مجنی علیه باقی می ماند. تعیین علت مرگ (خودکشی، قتل یا مرگ طبیعی) تشخیص و تعیین مدت درمان در ضرب و جرح، تشخیص جنون اعم از دائمی و ادواری و غیره از مواردی است که در این رشته مورد توجه قرار می گیرد.

ج- پلیس علمی (۴)

موضوع پلیس علمی مطالعه در طرق و مسائل مؤثر کشف جرم و دستگیری مجرمین است. انگشت نگاری، اسلحه شناسی، تجزیه و تحلیل آثار باقی مانده در محل وقوع جرم، تعیین نوع خون ریخته شده و تشخیص جعل و مسائل متعدد دیگری که در پیدا کردن مجرم و دستگیری او مؤثر است در این رشته علمی مورد بررسی قرار می گیرد.

1. anthropometrie criminelle .

2. bertillo

3. medecine legale

4. police scientifique

27

فصل دوم

مبحث اول: اهمیت حقوق جزا

از تعریفی که از حقوق جزا به عمل آمد می توان به اهمیت حقوق جزا پی برد زیرا:

- موقعیت امور کیفری در جامعه 1

نقش قوانین کیفری مبتنی بر موازین شرعی، ریشه کن ساختن فساد و پیشگیری از آلودگی در جامعه اسلامی است. ولی به کار گرفتن شریعت کیفری مزبور تنها در نظام حکومت عادلانه اسلام از جمیع جهات و تعمیم عدالت اجتماعی آن ممکن می باشد نه در جامعه ای غیر اسلامی و غیر عادلانه مجرم پرور.

مقررات جزائی اسلام، کیفر را برای نفس مجازات مقرر نداشته بلکه آن را به عنوان آخرین اقدام در جهت تأدیب و تربیت افراد، اصلاح جامعه و از بین بردن تباهیها مورد نظر قرار داده است. زیرا قبل از توسل به مجازاتهای سنگین، تأسیسات اخلاقی و حقوقی اسلام بیشتر در جهت بالا بردن سطح آگاهی و فرهنگ و تلاش در رفع نابسامانیهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و اخلاقی مردم است. تحقق این آرمانها زمینه مساعد برای وقوع جرائم را از بین برده و یا به حداقل محدود می کند.

بنابراین خود مجازات هدف نبوده، بلکه صرفاً مقدمه و وسیله ای است برای سالم سازی و حفظ نظم و امنیت در جامعه با پیشگیری عوامل جرم زا.

- وسیله اجبار افراد به اطاعت از مقررات در جامعه 3

قوانین کیفری ساده ترین و شدیدترین وسیله اجبار افراد به رعایت قواعد و مقررات در جامعه است.

بدین لحاظ معمولاً دولتها برای تنظیم روابط افراد در بسیاری از امور حقوقی، مدنی، تجاری و کار، ضمانت اجراهای حقوقی و اخلاقی را کافی ندانسته و به ضمانت اجراء کیفری متوسل شده و برای تخلف متخلفین مجازات تعیین کرده اند. از این قبیل جرائم می توان احتکار، تقلب در کسب و گران فروشی را نام برد.

- وسیله مؤثر تضمین ارزشهای انسانی 3

در دعاوی حقوقی و مدنی که معمولاً مربوط است به امور مالی و روابط خصوصی افراد، منحصرأ امور حقوقی اشخاص مطرح می باشد. در حالی که دعاوی کیفری علاوه بر امور مالی و مادی بزهکاران توجه به ضمانت اجراهای کیفری برای جلوگیری از صدمات و لطمه های وارده بر حیثیت، جان، شرف، آزادی، مسکن و شغل اشخاص نیز مطرح و در صورت وقوع جرم مورد رسیدگی مراجع کیفری قرار می گیرد. نقض حقوقی، از قبیل احترام به شخصیت انسانی (اصل ۲۲ ق.ا)، آزادی عقیده (اصل ۲۳ ق.ا)، آزادی رسانه های خبری یا مطبوعات (اصل ۲۴ ق.ا) و جلوگیری از تعدیات مأمورین دولتی (از طریق بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و تجسس غیر قانونی موضوع اصل ۲۵ ق.ا. که ضمانت اجرای آن نسبت به مستخدمین و مأمورین دولتی در ماده ۵۸۲ ق.م.ا تعزیرات ۱۳۷۵ پیش بینی شده است)، آزادی احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده و منع الزام از شرکت در آنها و یا اجبار به شرکت در آنها (اصل ۲۶ ق.ا) تماماً مستلزم پیش بینی ضمانت اجراهای کیفری مناسب در قوانین عادی می باشد.

- لزوم شناخت شخصیت واقعی متهم در امور کیفری 4

در محاکمات حقوقی، دادگاهها به هیچ وجه احتیاجی به شناسائی طرفین دعوی ندارد و قاضی بر مبنای دلایل تقدیمی از ناحیه طرفین دعوی و در اجرای تکلیفی که برابر قانون از نظر کشف حقیقت دارد، رسیدگی نموده و به صدور حکم مبادرت می نماید.

در صورتی که در محاکمات کیفری شناخت شخصیت واقعی متهم و پی بردن به انگیزه های ارتکاب جرم در بیشتر موارد واجد اهمیت می

باشد. بدین ترتیب در امور کیفری علاوه بر دلایل مادی ارتکاب جرم، شناسایی بزهکار نیز ضروری است. حال آنکه در امور مدنی به چنین شناسائی احتیاجی نیست.

موضوع شناسائی مجرمین آنقدر واجد اهمیت است که این امر به عنوان یکی از

29

موضوع های مورد بحث هشتمین کنگره بین المللی دفاع اجتماعی مورخ آبان ماه ۱۳۵۰ قرار گرفته تا با شناسائی واقعی بزهکاران عکس العمل اجتماعی متناسبی برای آنان در مراحل مختلف صدور حکم و ضمن اجرای حکم و پس از آن در نظر گرفته شود.

. حقوق جزا معیار سنجش ارزشها 5

حقوق جزای اسلامی با تعیین اعمال ممنوع و عکس العمل در مقابل آنها معیار سنجش ارزشها و خصوصیات اخلاقی جامعه اسلامی به شمار می رود. به طوری که هر اندازه اعمال ممنوعه از نظر اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و انسانی مذموم تر و خطرناک تر باشد مجازات شدیدتری برای آنها در نظر گرفته شده و می شود. تعیین مجازات شدید برای اعمال منافی عفت یا اعمالی که بر اساس دین و حکومت اسلامی لطمه وارد سازد حاکی از اهمیتی است که جامعه اسلامی برای امور ناموسی و شرافتی و یا استحکام و تداوم اصول خود قائل است. (۱)

مجازات افراد به جرم اهانت به مقدسات، واقعیتی است اجتماعی و نموداری است از احساسات شدید مذهبی حکام. (۲) و (۳)

علاوه بر اهمیت جنبه ضد اخلاقی جرم، هر اندازه مسؤولیت های اخلاقی و کیفری شخص مجرم نیز بیشتر باشد مجازات او در حقوق جزا بیشتر است.

به طور مثال در حقوق کیفری اسلام، حد زانی بکر یعنی کسی که هنوز ازدواج نکرده است، یکصد تازیانه است و در تبعید وی اختلاف است لیکن حد زانی محصن یعنی کسی که پس از ازدواج زنا کند این است که تا حد مرگ او را سنگسار کنند.

به مواد ۸۳ و ۸۴ ق.م.ا. و معاذیر موجه شرعی - قانونی از جمله ماده ۸۶ قانون مزبور مراجعه شود.

. مواد ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ ق.م.ا. حاکی از اهمیتی است که حقوق موضوعه، با عنایت به ماهیت مذهبی خود برای اعمال منافی 1 عفت و حفظ نظام اسلامی قائل است.

. ماده ۲۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ اهانت به مقدسات و دین مبین اسلام را از طریق مطبوعات در شرایط ارتداد مستوجب قتل 2 دانسته و مقرر می دارد: «هرکس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نیانجامد طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد». این ماده در اصلاحات قانون مطبوعات سال ۱۳۷۹ تغییر نکرد.

در مورد اهانت به مقدسات مذهبی به مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ ق.م.ا. تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مراجعه شود. 3

30

مبحث دوم: ویژگی های حقوق جزا

هر قاعده حقوقی دارای اوصاف و مختصات ویژه ای می باشد. حقوق جزا نیز مبتنی بر قواعدی است که موجب تمایز آن با سایر رشته های حقوق می شود، به طوری که می توان گفت از جهات عدیده ای حقوق جزا از کیفیات ممتازه ای برخوردار است که به شرح مواردی از آنها می پردازیم.

- وجود ضمانت اجرای خاص در قواعد حقوق جزا 1

برخی از رشته های حقوقی مانند حقوق بین الملل عمومی و بعضی از مقررات حقوق اداری و یا حقوق اساسی فاقد ضمانت اجرای لازم است. زیرا مرجع خاص و دادگاههای مافوق دولتها وجود ندارد که آنها ملزم به رعایت قراردادها و عهدنامه ها بنمایند.

فصل اول ق.ا. (اصل اول تا چهارم) حدود و شرایط و کیفیت حقوقی و تکالیفی را که ق.ا. برای دولت و مردم شناخته و در موارد عدیده به وضع و تصویب قانون موکول نموده است که آن هم محتاج زمان است و تا وضع قانون، علی رغم احترامی که دارند فاقد ضمانت اجرای لازم می باشند.

حقوق جزا، حقوق ذهنی و تصویری و حقوق طبیعی نیست، قواعد آن متشکل از حقوق موضوعه و همراه با ضمانت اجرای کیفری است. به علاوه حقوق جزا به عنوان رشته ای از حقوق موضوعه، از قواعد اخلاقی نیز متمایز است زیرا نه تنها قواعد اخلاقی قدیمی چون منع قتل و سرقت را تضمین می کند بلکه اصولاً الزام اشخاص را به رعایت مقرراتی که هدف آن منحصرأ حفظ نظم و امنیت در جامعه است تأمین می کند (۱) ضمانت اجرا در امور کیفری معمولاً اعدام، حبس، شلاق، تبعید، مصادره اموال، جزای نقدی و یا سلب حقوق اجتماعی است. ضمانت اجرا در سایر رشته های حقوق به صورت بطلان و فسخ معامله، اجبار متعهد به انجام تعهد در مورد دیون و سایر تعهدات و یا به صورت جبران خسارت وارده و یا

کلیه قواعد اخلاقی توسط حقوق جزا تضمین نشده است، بعضی از رفتارها مانند دروغگوئی، خودکشی و عدم پرداخت دین از نظر اخلاقی ۱ مذموم و قبیح ولی مستوجب کیفر نیست، برعکس پاره ای از رفتارهایی که اخلاق نسبت به آنها بی تفاوت است از جهت خطری که برای جامعه دارند در مواردی چون عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی، حمل سلاح غیر مجاز و نقض حکم در موارد اقامت اجباری در محل معین و یا ممنوعیت از اقامت در محل، خاطی را در معرض کیفر قرار می دهد.

31

برگشت وضع به حالت اولیه در موارد غضب و تصرف عدوانی می باشد.

- الزامی بودن قواعد حقوق جزا ۲

در حقوق خصوصی قوانین وجود دارد که اجرای آنها به اختیار اشخاص است، این قبیل قوانین را اختیاری می نامند، مثل مقررات بیع، کسی که نخواهد خرید و فروش بکند این مقررات را اجرا نمی کند. قوانین تکمیلی هم وجود دارد که افراد می توانند به اذن قانون از آن صرف نظر نمایند. ماده ۱۱۱۴ ق.م. مقرری دارد:

زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند سکنی نماید... این دستور از قواعد تکمیلی است و زن و مرد می توانند بر خلاف این دستور « رفتار نموده و شرطی بر خلاف آن در ضمن عقد بنمایند. این اجازه صراحتاً به موجب قسمت آخر ماده مزبور داده شده است که مقرری « دارد: «...مگر اینکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد

اما در حقوق جزا قواعدی اختیاری و تکمیلی وجود ندارد، مجنی علیه قادر نیست که تعهد نماید، قتل یا سرقت از منزل او قابل تعقیب کیفری نباشد و به فرض هم تعهدی بشود، چنین تعهدی فاقد اعتبار است، سلب حیات از مقتول هر چند با اجازه و توافق قبلی وی و به هر انگیزه ای (حتی به وسیله طبیب نسبت به بیمار غیر قابل علاج) واقع شود مستوجب کیفر است. سقط جنین در غیر از موارد قانونی، علی رغم اجازه زن موجب سلب مسئولیت کیفری از طبیب نیست.

- کلی و عام بودن قوانین کیفری ۳

قوانین کیفری نسبت به کلیه افرادی که قلمرو حاکمیت کشور مرتکب جرم شوند صرف نظر از تابعیت مجرم یا مجنی علیه قابل اجراست از یک طرف همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند (اصل ۲۰ ق.ا.) و از طرف دیگر، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان (طبق اصل ۱۴ ق.ا.) موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، البته این اصل در حق کسانی اعتبار خواهد داشت که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکرده باشند.

- سرزمینی و شخصی بودن قواعد حقوق جزا ۴

منظور از سرزمینی بودن قواعد حقوق جزا، اجرای قوانین کیفری در نقاطی است که تحت سلطه و حاکمیت دولت قرار دارد. مانند اراضی و آبهای ساحلی و فضای بالای آنها، بنادر، اسکله ها، و کشتی ها و هواپیما و غیره.

32

طبق ماده ۵ ق.م. ایران کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخلی و خارجی مطیع قوانین ایران خواهند بود. به موجب مواد ۳ و ۸ ق.م.ا. قوانین جزائی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران (اعم از زمینی، دریائی و هوائی) مرتکب جرم شوند اعمال می گردد مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد، به علاوه در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهود بین المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید محاکمه می شود، اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد.

قوانین جزائی ایران از اصل شخصی بودن قوانین کیفری نیز پیروی می نماید زیرا در مورد اتباع ایرانی اعم از اینکه در کشور ساکن باشند یا در خارجه، قابل اجرا می باشد.

در این مورد ماده ۷ ق.م.ا. مقرر می دارد:

علاوه بر موارد مذکور در مواد ۵ و ۶ هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری «اسلامی ایران مجازات خواهد شد.

اصل واقعی بودن قوانین کیفری نیز مکمل اصل شخصی بودن قوانین کیفری است و در مواردی دولتها برای خود حق تعقیب پاره ای از جرائمی را که در خارج از قلمرو آنها اتفاق افتاده قائل می شوند، به طور مثال قانونگذار ایران در ماده ۵ ق.م.ا. مقرر می دارد: «هرایرانی یا بیگانه ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می شود:

– اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران. 1

– جعل فرمان یا دست خط یا مهر یا امضاء مقام رهبری و یا استفاده از آن. 2

– جعل نوشته رسمی رئیس جمهور یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا شورای نگهبان و یا رئیس مجلس خبرگان یا رئیس قوه قضائیه یا 3 معاونان رئیس جمهور یا رئیس دیوانعالی کشور، و یا دادستان کل کشور یا هر یک از وزیران یا استفاده از آنها.

– جعل اسکناس رایج ایران یا اسناد بانکی ایران مانند براتهای قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادر شده از طرف بانکها و یا اسناد 4 تعهد آور بانکها و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق قرضه صادره و یا تضمین شده از طرف دولت یا شبیه سازی و هر گونه تقلب در مورد . «مسکوکات رایج داخل

لازمه اصل سرزمینی بودن شخصی بودن قواعد حقوق کیفری اعمال قواعد حقوق

33

جزای داخلی کشور است، این امر قابل توافق و تغییر سازش بین اشخاص نیست.

مبحث سوم: اهداف حقوق جزای موضوعه از مجازات بزهکاران

– اهداف اصلی مجازاتها 1

مبارزه علیه بزهکاری و ایجاد نظم و امنیت در جامعه.

–اهداف اختصاصی در اعمال کیفر 2

الف- اصلاح بزهکار

از طریق تعلیم و تربیت جسمی و فکری و روانی بزهکار ضمن تعلیق مجازات و یا اعمال مجازات سالب آزادی، اصلاح بزهکار در محیطهای نیمه باز و باز و آزادی مشروط.

ب- حمایت جامعه از دو طریق

اول- اصلاح فرهنگی بزهکار. تعلیم و تربیت بزهکار برای زندگی مجدد در جامعه ضمن اعمال مجازاتهای سالب آزادی و اقدامات تأمینی و تربیتی همانند موارد مذکور در بند ۱.

دوم- مصون داشتن جامعه از شر بزهکار. طرد بزهکار برای زندگی در اجتماع ضمن اعمال مجازات اعدام، حبس دائم، حبس های طویل المدت و تبعید در بعضی موارد.

ج- ارباب بزهکار (پیشگیری فردی)

ضمن اعمال کیفرهایی از قبیل جزای نقدی و مجازات سالب آزادی.

د- ارباب دیگران (پیشگیری عمومی)

با اعمال مجازاتهای طرد کننده از اجتماع نسبت به بزهکار، از قبیل مجازات اعدام، حبس دائم، مجازاتهای طویل المدت و تبعید در بعضی موارد.

ه- جلب رضایت مجنی علیه

برای تأمین و اجرای عدالت که در اعمال کلیه مجازاتها صادق است.

- ضرورت تعادل بین حقوق جامعه و حقوق محکوم علیه 3

سیاست کیفری جدید مبتنی بر ایجاد سیستمی است که بین حقوق جامعه به عنوان زیان دیده از جرم و حقوق بزهکار به عنوان یک انسان تعادلی برقرار نماید که هم دفاع اجتماعی تضمین گردد و هم حیات و حیثیت بزهکار در قبال عکس العمل جامعه حفظ گردد. اعلامیه جهانی حقوق بشر ضمن شناسائی حقوق محکومین، استفاده جوامع را در حق کیفر اعمال ضداجتماعی محدود و تعدیل نموده و تجاوز از آن را نقض حقوق انسانی می داند.

34

کمیسیون بین المللی حقوق جزا و زندانیان از سالهای ۱۹۲۹ به بعد مصمم به تهیه قواعد و اصولی برای اصلاح و تربیت مجرمین گردید و سرانجام در ۳۰ اوت ۱۹۹۵ مجموع مقررات حداقل برای اصلاح و تهذیب زندانیان متضمن ۹۴ ماده وسیله کنگره بین المللی ژنو که به وسیله سازمان ملل متحد تشکیل شده بود به تصویب نهایی رسید. (۱)

لازم به یادآوری است که توجه به حقوق انسانی در زمینه اجرای کیفر به نحوی نیست که در پناه عواطف انسانی و گذشت های بیش از حد به فردی که به اصول زندگی اجتماعی بی اعتنا بوده و با ایجاد اختلال و بی نظمی اساس و بنیان آن را سست نموده مساعدت و کمک در مجازات او بشود تا صرفاً در راه و با تسهیلات ارفاقی کیفر را تحمل کند، بلکه منظور اعمال مجازات به طریقی است که بتواند برای اجتماع از نظر پیشگیری عمومی و برای شخص بزهکار از نظر پیشگیری فردی مفید و سودمند باشد.

مبحث چهارم: اهداف کیفر و اقدامات تأمینی در حقوق جزای اسلام

ادامه و بقای زندگی اجتماعی توأم با رفاه و آسایش ممکن نیست مگر با تنظیم صحیح روابط افراد جامعه با یکدیگر و حفظ نظم عمومی و تأمین امنیت در جامعه و گسترش عدالت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضائی و اخلاقی که این امر مستلزم پیش بینی قواعد و ضوابط هماهنگ در کلیه زمینه هاست تا از هر گونه تجاوز و تعدی افراد به حقوق یکدیگر جلوگیری و به طریق ممکن افراد را ملزم به رعایت موازین حقوقی و اجتماعی بنماید.

در جهت نیل به این اهداف قرآن کریم در آیه ۲۵ از سوره مبارکه حدید می فرماید:

«لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط...»

یعنی همانا ما پیغمبران خود را با ادله و معجزات (برای خلق) فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به عدل و داد و راستی بگروند.

بدیهی است خداوند، خود از نافرمانی هیچ بزهکاری زیان نمی بیند و از اطاعت هیچ کدام از بندگان فرمانبردار خود منتفع نمی گردد. بنابراین می توان استنباط کرد که وضع قواعد کیفری در شریعت اسلام منحصرأ در جهت تأمین خیر و سعادت و مصلحت و منفعت مردم است.

1. l'ensemble des regles minima pour le traitement des detenus.

35

اوامر و نواهی و تحلیل و تحریمی که در این شریعت آمده تمامشان مبتنی بر پیشگیری از ارتکاب گناه، جلب خیر، دفع شر و ضرر، پرهیز از تجاوز و نیز تعدی افراد به حقوق یکدیگر و الزام به رعایت حقوق دیگران با ضمانت اجرای کیفری در صورت سرپیچی از اوامر و نواهی شرع اسلام می باشد.

در این صورت رعایت مصالح و منافع فردی و اجتماعی و دفع مفاسد می تواند اساس کلیه احکام قضائی گردد.

هدفهای نظام جزائی در جوامع اسلامی متعدد و مهمترینشان عبارتند از:

اجرای عدالت، پاسداری از حقوق افراد و احترام به آزادی آنان، تأمین امنیت و حفظ نظم عمومی از طریق پیشگیری از ارتکاب جرم و در عین حال اعمال کیفر در صورت تجاوز و تخلف از قواعد و موازین حقوقی و اجتماعی.

اکنون به توضیح پاره ای از این هدفها می پردازیم:

- هدف سودمندی و ارباب 1

مقررات جزائی اسلام واجد هدف سودمندی است. در نتیجه جامعه اسلامی با مجازات کردن بزهکاران افرادی که زمینه و استعداد ارتکاب جرم دارند، هشدار می دهد که از ادامه فکر ارتکاب جرم منصرف شوند زیرا حتمیت و قاطعیت مجازاتها در حقوق اسلام ایجاد هراس می «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المجرمین» کند. چنانچه قرآن کریم در آیه ۶۹ از سوره نمل می فرماید:

یعنی ای رسول ما بگو (به مدعیان روی زمین سیر کنید تا بنگرید که عاقبت کار بزهکاران به کجا کشید.

- تأمین امنیت اجتماعی و عدالت 2

اگرچه هدف سودمندی مبتنی بر ارباب و تخویف مجرمین احتمالی و بازداشتن آنان از بزهکاری مورد توجه شریعت اسلام می باشد ولی این امر مانع از این نیست که مجرم به اقتضای عدالت مجازات شود. به همین جهت هر قدر جنبه ضد اخلاقی مجرم و مسؤولیت های اخلاقی و کیفری مجرم بیشتر باشد مجازات وی شدیدتر است.

- پیشگیری از ارتکاب جرم 3

شریعت اسلام به اهمیت پیشگیری از جرائم واقف بوده و برای جلوگیری از وقوع هر دسته از جرائم وسیله خاص پیشگیری، پیش بینی نموده است. مثلاً: وام از طریق قرض الحسنه، آسان گیری در امر ازدواج، انفاق و احسان و امر به معروف و نهی از منکر.

36

مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این «عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد